درس 22

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (مزمور 37، 38، 40، 49)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
دو به دو مرور كنيد. روميان 6:13.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 6:1-11
مقدمه: روميان 1:16 مي‌فرمايد كه انجيل «قوت خداست براي نجات هر كس كه ايمان آورد». روميان فصل‌هاي 3 تا 5 در بارة «قوت خدا براي نجات يا عادل شمردنِ» ايمانداران مسيح تعليم مي‌دهد. روميان فصل 6 در بارة «قوت خدا براي مقدس ساختنِ ايمانداران» تعليم مي‌دهد. روميان فصل 5 در زمينة وضعيت (يا جايگاه) قانونيِ شخص مسيحي سخن مي‌گويد و مي‌فرمايد كه او يك بار براي هميشه عادل شمرده است؛ اما روميان فصل 6 در خصوص فرايند تقديس سخن نمي‌گويد، بلكه در بارة وضعيت (يا موقعيت) اخلاقيِ فرد مسيحي تعليم مي‌دهد و مي‌فرمايد كه او يك بار براي هميشه مقدس شده است. روميان 6:1-10 توضيحي است اعتقادي در اين زمينه كه «به چه بايد ايمان داشت»، اما روميان 6:11 رهنمودي است در اين زمنيه كه «چگونه بايد زندگي كرد».

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 6:1-11 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1ـ در روميان 6:1-7 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. پولس استدلال مي‌كند كه فرد مسيحي غيرممكن است بتواند به زندگي كردن در گناه ادامه دهد. در روم، گروهي كه «شريعت‌گرا» ناميده مي‌شدند، به اشتباه تعليم مي‌دادند كه شخص با انجام كارهاي شريعت عادل شمرده مي‌شود. گروه مخالف، كه «شريعت‌ستيز» خوانده مي‌شدند، به غلط تعليم مي‌دادند كه شخصي كه عادل شمرده شده، نيازي ندارد مطلقاً مطابق شريعت زندگي كند؛ حتي مي‌تواند در گناه زندگي كند. پولس رسول هر دو تعليم غلط را رد مي‌كند. او براي مقابله با «شريعت‌گراها» تعليم مي‌داد كه شخص نه با انجام اعمال شريعت، بلكه به‌وسيلة فيض به‌واسطة ايمان به عيسي مسيح عادل شمرده مي‌شود. براي مقابله با «شريعت‌ستيزان» نيز تعليم مي‌داد كه شخصي كه به‌وسيله فيض به‌واسطة ايمان عادل شمرده شده است، بايد كماكان زندگي‌اش را مطابق شريعت سپري كند. او بايد كماكان زندگي نوين و مقدسي داشته باشد. پولس تعليم مي‌داد كه شريعت وسيلة نجات نيست، بلكه معياري است كه اشخاص نجات يافته بايد طبق آن زندگي كنند.

1- روميان 6:1-2 تعليم مي‌دهد كه اعتقادِ شريعت‌ستيزان، يك تناقض است. پولس مي‌فرمايد كه اين يك تناقض است كه فرض كنيم كه شخص بسوي مسيح مي‌آيد تا از گناه رهايي يابد، به اين منظور كه بتواند به زندگي كردن در گناه ادامه دهد.
2- روميان 6:3-4 تعليم مي‌دهد كه فرد مسيحي با مرگ مسيح متحد شده، بنابراين، نسبت به قدرت گناه مرده است. پولس در استدلال خود به تعميد اشاره مي‌كند. مي‌فرمايد كه آناني كه در مسيح تعميد يافته‌اند، با مسيح در مرگش متحد شده‌اند. لذا چنانكه مسيح « براي گناه مرد»، مسيحيان نيز « نسبت به گناه مرده‌اند». اين گسستگي دائمي از گناه همانا هويت مسيحيان است! براي يك مسيحي، رهايي از گناه (فديه) صرفاً به‌معناي رهايي از مجازات گناه نيست (او عادل شمرده شده است)، بلكه رهاي از قدرت گناه نيز مي‌باشد (او تقديس شده، مقدس شده است) (ر.ش. اول قرنتيان 1:30)! هر كه با مسيح متحد شده، نسبت به قدرت گناه مرده است! او ديگر بردهٔ گناه نيست. بنابراين، وقتي كسي مسيحي مي‌شود، ديگر نمي‌تواند به زندگي كردن در گناه ادامه دهد. و باز بنابراين، اگر كسي به زندگي كردن در گناه ادامه دهد، نمي‌تواند مسيحي باشد!
3- روميان 6:5-7 تعليم مي‌دهد كه شخص مسيحي با قيام مسيح متحد شده است و بنابراين، مايل است و مي‌تواند به‌طرز نوپني زندگي كند و چنين نيز خواهد كرد. پولس در استدلال خود، به قيام مسيح اشاره مي‌كند. مي‌فرمايد آناني كه با مسيح در مرگش متحد شده‌اند، قطعاً در قيامش نيز متحد خواهند شد. ميان مرگ و قيام رابطه‌اي علت و معلولي وجود دارد. همانگونه كه نتيجهٔ قطعي مرگ مسيح، قيام او بود، به همان شكل، نتيجهٔ قطعيِ مرگ ايماندار نسبت به قدرت گناه، زندگي نوين و مقدس خواهد بود. مرگ و قيام عيسي مسيح سبب مي‌شود كه وضعيت قانونيِ عادل‌شمردگي و وضعيت اخلاقيِ تقدسِ ايماندار امري قطعي گردد. شخص مسيحي در مرگ مسيح سهيم مي‌شود تا بتواند در حيات مسيح نيز سهيم گردد. مسيحيان نمي‌توانند از مواهب مرگ مسيح بهره‌مند گردند مگر اينكه در قدرت قيامت او سهيم باشند. براي آنكه انسان مقدس باشد، خدا بايد نخست او را عادل بشمارد. انسان نيز نمي‌تواند مقدس شود مگر اينكه عادل شمرده شود. در كتاب‌مقدس، عادل‌شمردگي و تقدس جدا ناپذيرند! (زمان آينده در آيه‌هاي 5 و 8 بيانگر وقوع امر در آينده نيست، بلكه بيانگر قطعيت امر است!)

كشف 2ـ در روميان 6:8-11 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. پولس استدلال مي‌كند كه شخص مسيحي بطور قطع تغيير يافته است. در اين آيه‌ها، پولس از استدلال خود نتيجه‌گيري مي‌كند. مسيح يك بار براي هميشه در تاريخ مرد و مرگش هرگز تكرار نخواهد شد. او در طبيعتِ انسانيِ قيام‌كرده‌اش اكنون زندگي‌اي دارد كه به خدا وقف شده است. به همين شكل، شخص مسيحي در تاريخ يك بار براي هميشه نسبت به قدرت گناه مرد و اكنون قادر است زندگي‌اي وقف‌شده به خدا داشته باشد. جدايي شخص مسيحي از قدرت گناه، نهايي است و توانايي او براي برخورداري از يك زندگي نوين و مقدس نيز قطعي است. اين رويداد قطعي كه يك بار براي هميشه در تاريخ رخ داد، يعني «مرده بودن با مسيح» نشان مي‌دهد كه «مرده بودنِ ما نسبت به قدرت گناه» وضعيت يا موقعيتي است ماندگار. به همان شكل، اين رويداد قطعي كه يك بار براي هميشه در تاريخ رخ داد، يعني «قيام كردن با مسيح» نشان مي‌دهد كه «زندن بودنِ ما نسبت به خدا» نيز وضعيت يا موقعيتي است ماندگار. زندگي ما در مقام يك مسيحي ديگر توسط قدرت گناه تعيين يا كنترل نمي‌شود تا ما را محكوم كند، آلوده سازد، يا اسير نمايد. زندگي ما ديگر توسط طبيعت گناه‌آلود قديمي‌مان يا اعمال گناه‌آلودي كه در بدن جسماني‌مان انجام مي‌دهيم تنظيم و كنترل نمي‌شود. اين وضعيت مرده بودن نسبت به قدرت گناه و تواناني برخورداري از زندگي نوين در اطاعت از مسيح، همان است كه «تقدس»ناميده مي‌شود. اين وضعيت ماندگار يعني تقدس، توسط گناهاني كه در آينده مرتكب مي‌شويم، از ميان نمي‌رود. درست همانطور كه مرگ و قيام مسيح امري بود كه يك بار براي هميشه براي او واقع شد، به همان شكل، ما نيز وقتي به عيسي مسيح ايمان مي‌آوريم، وضعيت عادل‌شمردگي و تقدس برايمان امري است كه يك بار براي هميشه رخ مي‌دهد! پولس در روميان 6:11 مي‌فرمايد: «شما نيز خود را براي گناه مرده انگاريد، اما براي خدا در مسيح عيسي زنده.» نخست بايد توجه داشت كه دستوري كه به ما داده مي‌شود اين نيست كه نسبت به گناه مرده شويم يا نسبت به خدا زنده گرديم، زيرا پيش‌فرض اين است كه ما نسبت به گناه قبلاً مرده‌ايم و نسبت به خدا قبلاً زنده شده‌ايم! دوم آنكه بايد توجه داشت كه براي اينكه اين چيزها تبديل به واقعيت شوند ، نياز نيست كه معتقد بشويم كه آنها واقعيت هستند يا آنها را واقعيت به‌حساب بياوريم، زيرا اعلام شده كه آنها قبلاً واقعيت مي‌باشند! اين از قبل يك واقعيت بوده كه ما به‌لحاظ روحاني با مرگ و قيام مسيح متحد شده‌ايم. لذا اين نيز از قبل يك واقعيت است كه عادل شمرده شده‌ايم و مقدس گشته‌ايم، يعني اينكه نسبت به قدرت گناه مرده‌ايم و قادريم نسبت به خدا زندگي نوين و مقدسي داشته باشيم. آنچه كه پولس ما را به انجامش امر مي‌كند، اين است كه ايمان داشته باشيم كه اينها از قبل واقعيت هستند و اين واقعيت‌ها را ارج بنهيم!

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 6:1-11 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.

در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (6:1ـ 14). آناني كه معتقد بودند كه مسيحيان مي‌توانند به گناه كردن ادامه دهند، چه كساني بودند؟
يادداشتها. روميان فصل 5 اينچنين پايان مي‌يابد: «شريعت در ميان آمد تا خطا زياده شود. ل'كن جايي كه گناه زياده گشت، فيض بي‌نهايت افزون گرديد» (روميان 5:20). گروه خاصي از مردم از اين انديشه، اعتقاد نادرستي را شكل دادند؛ ايشان به خطا تعليم داده، مي‌گفتند: «خدا شريعت را با اين قصد عطا كرد كه انسان بيشتر گناه كند.» و باز به خطا تعليم مي‌دادند كه «انسان هر چقدر بيشتر گناه كند، خدا با نشان دادنِ فيضش به انسان، بيشتر جلال مي‌يابد.» بنابراين، نتيجه مي‌گرفتند كه بايد مردم را تشويق كرد كه بيشتر و بيشتر گناه كنند. مي‌گفتند: «به گناه كردن ادامه دهيم تا فيض خدا افزون شود!» اين تعليم بروشني اشتباه است. آناني كه تعليم كتاب‌مقدس در خصوص فيض را منحرف مي‌ساختند، «شريعت‌ستيز» خوانده مي‌شدند، چرا كه بر ضد شريعت و احكام خدا بودند.
1- شريعت‌ستيزان بر عمل الهي تأكيد مي‌ورزيدند، اما مسؤوليت انسان را ناديده مي‌گرفتند. آنان تا آنجا بر كار تكميل‌شدة مسيح تأكيد مي‌گذاردند كه نياز انسان به تولد تازه و بازگشت و تقديس را رد مي‌كردند. گرچه درست است كه مسيح نجات كامل را براي مسيحيان كسب كرد ، ايشان به خطا بر اين باور بودند كه مسيحيان نبايد كاري براي نجات يافتن انجام دهند.
2- شريعت‌ستيزان تا آنجا بر فيض خدا تأكيد مي‌گذاردند كه شريعت را رد مي‌كردند. آنان به خطا معتقد بودند كه مسيحيان فقط «زير فيض» مي‌باشند و لذا هيچ كاري با شريعت ندارند. آنان به اشتباه تعليم مي‌دادند كه كارهاي نيكي كه شريعت حكم به انجامشان مي‌دهد، براي مسيحيان واجب نيست. همچنين به غلط تعليم مي‌دادند كه كارهاي بدِ مسيحيان كه شريعت نهي‌شان كرده، از روي لطف خدا مورد اغماض قرار مي‌گيرند. شريعت‌ستيزان به‌خطا باور داشتند كه تمام كارهاي بدِ مسيحيان متعلق به «طبيعت قديمي‌شان» مي‌باشد، و از آنجا كه اين طبيعت وارث نجات نمي‌گردد، هيچ اهميتي نيز ندارد. استدلال پولس رسول عليه تحريف آموزة فيض از سوي شريعت‌ستيزان اين است كه كسب نجات به‌وسيله عيسي مسيح مانع كاربست نجات به‌وسيلة او نيست. آري، عيسي مسيح نجات را به‌واسطة مرگ كفاره‌كننده‌اش بر صليب به‌شايستگي كسب كرد . اما عيسي مسيح اين نجات را در مورد مردمان به‌كار مي‌بندد ، و اين كاربست را از طريق تولد تازه، بازگشت و ايمان به انجيل، و از طريق اطاعت ايشان از احكام اخلاقي تحقق مي‌بخشد. پولس اظهار مي‌دارد كه عادل‌شمردگي را هرگز نمي‌توان از تقدس جدا ساخت. وضعيت قانونيِ عادل‌شمردگي و وضعيت اخلاقيِ تقدس به‌گونه‌اي جداناپذير به يكديگر تعلق دارند. شخصي كه در مواهب مرگ مسيح سهيم است، در مواهب قيام مسيح نيز سهيم مي‌باشد. عادل‌شمردگي و نجات هرگز از زندگي نوين و مقدس جدايي نمي‌پذيرد و نمي‌تواند هم بپذيرد!

سؤال 2. (6:3-4). مفهوم تعميد چيست؟
يادداشتها. در روميان 6:3، اصطلاح «تعميد يافتن در مسيح» به‌معني اتحاد با مسيح است و همچنين مشاركت با مسيح و سهيم شدن در تمام مواهب در مسيح. تعميد علت پديدآيي اين واقعيت‌ها نيست، بلكه فقط نشانه‌اي است از اين واقعيت‌ها. در روميان فصل ششم، تعميد بطور خاص به‌معناي اتحاد با مسيح در مرگش و سهيم شدن در تمام مواهب مرگش مي‌باشد. تعميد در مسيح به‌معناي اتحاد با مسيح است، با هر چه كه او هست، و اتحاد با تمامي مراحل عملش به‌عنوان شفيع. اتحاد با خودِ عيسي مسيح را نمي‌توان از اتحاد با عمل تكميل‌شده‌اش جدا ساخت. و اتحاد با مرگش را نمي‌توان از اتحاد با قيامش جدا ساخت.
روميان 6:3-4 و كولسيان 2:12 تعليم مي‌دهند كه مسيحياني كه «در مسيح عيسي» تعميد يافته‌اند، «در مرگ او تعميد يافته‌اند». دفن ايشان با مسيح دليلي است بر واقعيت مرگ ايشان. تولد تازه به‌واسطة روح‌القدس موجب اتحاد روحاني با مرگ و قيام مسيح مي‌گردد، و تعميد نشانه‌اي است از اتحاد روحاني شخصِ ايماندار با مرگ و قيام مسيح. زمان افعال در روميان 6:3-4 (گذشته ساده) بيانگر اين است كه مسيحيان در تاريخ گذشته‌شان يك بار براي هميشه از لحاظ روحاني مردند و از لحاظ روحاني دفن شدند. آنان بگونه‌اي مؤثر با قلمرو گناه و دنياي گناه‌آلود و حكومت شيطان قطع رابطه كرده‌اند، همانطور كه شخصِ مرده در قبر با زندگي قطع رابطه كرده است. بدينسان، ايمانداران يك بار براي هميشه بخشوده و عادل شمرده شده‌اند. زمان فعل در روميان 6:5 (در يوناني ماضي نقلي) حاكي از اين است كه اين بخشايش يا عادل شمردگي واقعيتي است كنوني و در حال تداوم.
روميان 6:5 تعليم مي‌دهد كه مسيحيان بطور قطع با قيام مسيح متحد خواهند شد. در اينجا قيام مسيح در وهلة اول اشاره دارد به حياتِ قيام‌كرده در زمانِ حال ، و در وهله دوم به بدنِ قيامت در زمان آينده . استدلال روميان 6:5 اين است كه اتحاد روحاني تنگاتنگ با مرگ و دفن مسيح نمي‌تواند از اتحاد روحاني تنگاتنگ با قيام او جدا شود. مسيحيان به‌واسطة ايمان به عيسي مسيح بگونه‌اي تنگاتنگ با مرگ

و تدفين مسيح متحد گشته‌اند و اين امر منجر به عادل‌شمردگي‌شان گرديد. به همان شكل، مسيحيان به‌واسطة ايمانشان به عيسي مسيح، قطعاً بگونه‌اي تنگاتنگ با قيام مسيح متحد گشته‌اند و اين امر منجـر به تقديس ايشان مي‌گردد! براي عادل‌شمردگي، مرگ مسيح به‌عنوان قرباني كفاره‌كننـدة گناهـان، امـري ضروري و قطعي است. به همين ترتيب، حياتِ قيـام‌كردة مسـيح بـراي تقـدس امـري ضـروري و قطعي است. مسيحيان در اين جهان و در زمان حال، بيشتر و بيشتر در زمينة زندگي مقدس شبيه مسيح خواهند گرديد. و سرانجام در عالم آينده، مسيحيان بطور كامل در حياتِ پرشكوه و ابديِ روح و بدن شبيه مسـيح خواهند گرديد ! تمامي بحث در روميان 6 حول محـورِ ضـرورت ارتبـاط ميـان وضـعيت عادل‌شـمردگي و وضعيت تقدس مي‌گردد.

سؤال 3. (6:6). تفاوت ميان «انسانيت كُهنه» و «انسانيت تازه» چيست؟
يادداشتها. مسيحيان بايد اصطلاحات «انسـانيت كهنه» و «طـبيعت گنـاه‌آلود» و «انسـانيت ظـاهري» را از يكديگر تشخيص دهند.
1- انسانيت كهنه بطور قطع مرده است و انسانيت جديد بطور قطع وجود دارد. مطابق روميان 6:6، «انسانيت كهنه» معرف «طبيعت فاقد تولد تـازة» انسـانها اسـت. اين انسـان طـبيعي اسـت كـه آگاهانـه انتخاب كرده كه بردة طبيعت گناه‌آلود خود باشد (روميان 6:16) و از آن پس، تحت سلطة كامل طـبيعت گناه‌آلود خود قرار دارد (روميان 8:6-8). طبيعت فاقد تولد تازه از طريق ايمان به عيسي مسيح، يـك بـار براي هميشه مصلوب شده است (ر.ش. غلاطيان 2:20). مطـابق افسسـيان 4:22، طـبيعت فاقـد تولـد تازه يك بار براي هميشـه از تن به‌در شـده اسـت! «انسـانيت تـازه» مظهـر «طـبيعت واجـد تولـد تـازة» مسيحيان است. مطابق افسسيان 4:24 (ر.ش. افسسيان 2:15)، طبيعت واجد تولـد تـازه را مسـيحيان يك بار براي هميشه بر تن كرده‌اند! مطابق كولسيان 3:9-10، شخص هنگامي‌كه انسانيت تـازه را بـر تن مي‌كند، انسانيت كهنه را از تن به‌در مي‌كنـد. اين دو بطـور همزمـان نمي‌تواننـد در كنـار هم وجـود داشـته باشند.
2- بااينحال، انسانيت تـازه هنـوز طبيعـتي گنـاه‌آلود دارد. «غيرمسـيحيان از سـلطة مطلـق و قـدرت اسارت‌بار طبيعت گناه‌آلود آزاد نيستند.» اما مطابق روميان 6:7 و 7:18 و 8:2، گرچه مسيحيان يـك بـار براي هميشه از سلطه و قدرت اسارت‌بار آن آزاد شده‌اند، «طبيعت گناه‌آلود» هنوز در زندگي‌شان قدرتي است حاضر و نيرومند. و مطابق با روميان 6:13،19 و غلاطيان 5:16-23، طبيعت گناه‌آلود در كشمكش دائمي است با روح‌القدس كـه در انسـان جديـد سـاكن مي‌باشـد. مطـابق روميـان 8:9 و 13، مسـيحيان واقعي اغلب انتخاب مي‌كنند كه تحت كنترل روح‌القدس باشند و نه طبيعت گناه‌آلودشان. مطابق روميـان 12:1-2، انسان جديد دائماً رشد مي‌كند. او اغلب با همشكل شدن با جهان گناه‌آلود مقـاومت مي‌كنـد. او اغلب انتخاب مي‌كند كه دگرگون شود و به شباهت مسيح در آيد. معيار و هدف اين تبديل و تازگي دائمي، مسيح است و شباهت بـه مسـيح. مطـابق كولسـيان 3:10، انسـان جديـد دائمـاً «به‌صـورت خـدا... تـازه مي‌شود».
3- در انسان جديد مي‌توان انسانيت ظاهري و انسانيت باطني را تشخيص داد. «ظاهر انسـان جديـد "انسانيت ظاهري" و درون او "انسانيت باطني"ناميده شده است.» مطابق با دوم قرنتيـان 4:16، «هـر چند انسانيت ظاهري ما فاني مي‌شود، ليكن باطن روزبروز تـازه مي‌گـردد.» «انسـانيت ظـاهري» همـان «ظـرف خـاكي» (دوم قرنتيـان 4:7)، يـا «جسـد (بـدن) فـاني» اسـت (دوم قرنتيـان 4:10-11)، نـه آن انسانيت كهنة فاقد تولـد تـازه. انسـانيت ظـاهري همـان سـاختار كلي انسـان اسـت بـا تمـام قابليت‌هـا و نيروهايش، چه ذهني و چه بدني، چه ادراكي و چه عملي، انسانيتي كه مشمول تباهي و انحطـاط اسـت و بسوي قبر به پيش مي‌رود. زمان حالِ فعل حاكي از آن است كه اين تبـاهي فراينـدي اسـت ثـابت و غـير قابـل بازگشـت. اين همـان «انسـانِ جديـدي اسـت كـه در ظـاهر ديـده مي‌شـود و اشـخاص ديگـر او را مي‌بينند.» «انسانيت باطني» همان «قلب مسيحي است كه نور خدا در آن مي‌درخشد و به‌واسطة مسيح به او شناخت الهي واقعي و تجربي مي‌دهد» (دوم قرنتيان 4:6). انسانيت بـاطني همـان «قلب مسـيحي است كه روح‌القدس در آن ساكن است و تضمين مي‌كند كه هر چه خدا وعده داده اسـت، تحقـق خواهـد يافت» (دوم قرنتيان 1:22؛ـ 5:5). در آنجاسـت كـه روح‌القـدس اصـل حيـات جديـد را كاشـته اسـت. در آنجاست كه روح‌القدس كنترل خود را اِعمال مي‌كند. در آنجاسـت كـه روح‌القـدس قـدرت رشـد در تمـام فضائل مسيحي را عطا مي‌فرمايد (افسسيان 3:16-17). اين «انسـان جديـد اسـت كـه در درون از ديـد مردم جهان نهان است و از دسترس تجزيه و تحليل ايشان خارج مي‌باشد». شخص مسيحي پس از تولـد تازه، هنوز شخصيتي است غير قابل تقسيم، چه از ديد بيروني و چه از ديد دروني. پولس در بـارة حقـايق بزرگ مسيحي سخن مي‌گويد و شرح مي‌دهد كه پيشـرويِ قابـل رؤيت در تبـاهي و فنـاي بـيروني همـراه است با تجربة تازگي دروني و بگونه‌اي روز افزون!

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 6:1-11 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 6:1؛ به عادات گناه‌آلود خود فكر كنيد. تصميم بگيريد كه از اين عادات دست بكشيد و ديگر به گناه كردن ادامه ندهيد.
- 6:3-4؛ توجه داشته باشيد كه وقتي به عيسي مسيح ايمان مي‌آوريد، ديگر تحت قدرت اسارت‌بار گناه قرار نداريد. اگر بخواهيد، مي‌توانيد بر افكار و سخنان و كارها و عادات و خصوصيات گناه‌آلود گذشته چيره شويد.
- 6:3-4؛ معني تعميد را به‌روشني درك كنيد. تعميد نشانة بيروني اتحاد روحاني‌تان با مسيح است، و همچنين نشانة رفاقت و مشاركتتان با مسيح، و سهيم شدنتان در كار تكميل‌شدة نجاتتان در گذشته و حال و آينده مي‌باشد. تعميد بطور خاص دلالت دارد بر سهيم شدن در مواهب مرگ او بجاي شما، يعني اينكه گناهانتان شسته شده است (ر.ش. اعمال 22:16). اين بدان معناست كه شما بخشوده شده (ر.ش. اعمال 2:38) يا عادل شمرده شده‌ايد (6:7).
- 6:5-6؛ توجه داشته باشيد كه وضعيت قانوني عادل‌شمرده شدنِ شما نمي‌تواند از وضعيت قانوني تقدس شما جدا شود. وقتي در مرگ او سهيم مي‌شويد، در قيام او نيز سهيم مي‌گرديد. بنابراين، طبق حيات جديد در مسيح زندگي كنيد.
- 6:10-11؛ طبق حيات جديدتان زندگي كنيد تا خدا را خشنود سازيد.

كاربردهاي شخصي
- مي‌خواهم خود را نسبت به قدرت گناه مرده بينگارم و نسبت به خدا زنده. از اين حقيقت بسيار شادم كه قدرت مطلق طبيعتِ گناه‌آلودم شكسته شده و از بردگي دائمي گناه آزاد شده‌ام. مي‌خواهم اين حقيقت را به ياد داشته باشم كه اكنون نسبت به خدا زنده‌ام و اينكه نه فقط بايد زندگي جديد و مقدسي داشته باشم، بلكه مي‌توانم و مي‌خواهم از چنين زندگي‌اي برخوردار باشم.
- مي‌خواهم به ياد داشته باشم كه مسيحيان نه فقط در تمام مواهب مرگ مسيح شريكند، بلكه در تمام مواهب قيام او نيز شريك مي‌باشند! مرگ روحاني من با مسيح منجر به شكسته شدنِ قدرت مطلق طبيعت گناه‌آلود من گشته است. مطابق روميان 6:7، طبيعت گناه‌آلود من قبلاً محكوم به مرگ شده است و اين داوري در سراسر زندگي‌ام به موقع اجرا گذاشته مي‌شود. به‌واسطة كار روح‌القدس در من، قدرت طبيعت گناه‌آلودِ من اغلب شكسته مي‌شود و اغلب قدرت اين را مي‌يابم تا از زندگي جديد و مقدس برخوردار باشم.

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 6:1-11 به ما آموخته است، دعا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 6:1-11» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزمور 50، 51، 58، 62 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد كتاب‌مقدس را مورد تعمق قرار دهيد و آن را حفظ كنيد، روميان 6:23 . اين آيه را هر روز تكرار كنيد.

- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- آمادگي:مَثَل خدمتكارِ ناسپاس از متي 18:23-35. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.